

گرگور؛ روزی رسان دریایی

آشنایی با گرگور بافی؛ ابزار و هنری در صیادی که از گذشته‌های دور در بین صیادان جنوب متداول بوده و با محیط زیست دریایی در صلح است

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۱

اول شعبان ۱۴۴۴ • ۲۲ فوریه ۲۰۲۳

شماره ۳۱۱۵۹

۳۳۷۹



اکرم انتصاری | روزنامه نگار

پرونده

دریاسفره دار بزرگی است ونمی گذارد کسی که دل به آن زده است دست خالی بر گردد. روزگار ناخدا و صیاد و بیشتر کسانی را که ساحل نشین هستند، دریا می چرخاند. یکی لنج می سازد تا دیگری آن را به آب بیندازد. یکی لنج را به دریای اندازد تا مسافر ها را جزیره به جزیره بچرخاند و یکی صیاد می شود. صیادی در دل دریای جنوب و خلیج فارس ابزارهای زیادی دارد که «گرگور» یکی از مهم ترین و قدیمی ترین آن هاست. گرگور یک ابزار صیادی است که بعد از گذشت سال ها و سده ها هنوز ماشین نی نشده و دست ساز است و اگر نباشد کار صیادهایی که در آب های عمیق ماهی صید می کنند، لنگ می ماند. ناگفته نماند که گرگور برخلاف روش های دیگر مانند صید ترال (کفروب) با دریا و موجودات آن در صلح است و به همین دلیل هنوز صیادانی که زنده بودن دریا برایشان اهمیت دارد، استفاده از گرگور را به صیدهای دیگر ترجیح می دهند. حتی اگر قرار باشد سالی یک بار برای خرید گرگور نوزینه کنند. در این پرونده می خواهیم درباره گرگور، عملکردش و کارگاه های گرگور بافی در جنوب ایران بیشتر بدانیم. بخشی از این پرونده با مطالعه و کنکاش در دو فصل نامه علمی دانش های بومی ایران به دست آمده و بخش دیگر آن حاصل دیدن چند مستند و گفت و گویا کسانی است که یا به شهر های جنوبی ایران در حاشیه خلیج فارس، سیروسفر های مکرر داشته اند یا خودشان در جنوب در گوشه کارگاهی کوچک مشغول گرگور بافی هستند.

ساختار ساده و کار بردی گرگور

گرگور یکی از ابزار های دست ساز ماهیگیری است که صیادان در جنوب از آن استفاده می کنند و هر زمانی ها آن را به «کلگر» هم می شناسند؛ قفسی که با به آب انداختن آن ماهی ها به دام می افتند. این تله ماهیگیری ساختاری نیمکره مانند دارد که با استفاده از سیم های بسیار ظریف به شکل قفسی گنبدی شکل به هم بافته می شود. گرگور یک دهانه قیفی شکل دارد که به آن «دماغه» می گویند. وقتی ماهی از دماغه وارد گرگور می شود، راه خروج را گم می کند و با وجود دماغه و خار های قرار داده شده در مسیر، دیگر راهی برای فرار باقی نمی ماند، مگر ماهی های ریزی که جته شان کوچک تر از سوراخ های (چشمه) بافته شده است. جغرافیا و نوع استفاده، ساختمان و ابعاد گرگور را تغییر می دهد. بعضی صیادان که شناور های بزرگ تری دارند از گرگور های به هم پیوسته بزرگ که وزن بسیار بالایی دارند، استفاده می کنند و



گرگور بعضی صیادان که با قایق به صید ماهی می روند با دست هم قابل حمل است. صیادان بعد از رسیدن به نقطه مدنظر در دریا، گرگور ها را به وسیله یک بند، داخل آب می اندازند تا به کف دریا برس

گرگور از کجا آمده است؟

مشخص نیست اولین بار، گرگور از کجا و چطور وارد جعبه ابزار صیادان جنوب شده است. مواد اولیه ساخت گرگور های قدیمی، بومی نبوده و همین باعث شده است که حدس ها این باشد که گرگور بافی از طریق ارتباط با حوزه اقیانوس هند و آفریقا وارد جنوب شده و اگر این ابزار وارداتی است، با همت مردم بومی سازی هم شده است. گرگور ها با شکلی دیگر در اروپا برای صید لابستر و نمونه های کوچک تر آن و در آفریقا و هندوستان برای صید ماهی استفاده می شود. البته گذر زمان، مواد اولیه گرگور باف ها را تغییر داده است. در گذشته این تله ها را با نوعی چوب هندی و چینی که در بوشهر آن را به «باصچیل» می شناسند، می بافتند. چوب باصچیل ها توپر، محکم و انعطاف پذیر بود و



تا مدت ها به عنوان ماده اولیه گرگور باف ها شناخته می شد. بعد از مدتی ساحل نشین ها بافت گرگور را با استفاده از «گبز» تر که های نخل خرما یا «پنگ» شاخه انعطاف پذیر خوشه خرما می بافتند، اما این نوع گرگور ها ماهی های کوچک را صید نمی کرد و بیشتر از چهار ماه دوام نمی آورد. «نی باز» نام درخت

توجه ویژه گرگور به محیط زیست دریایی

خلیج فارس به دلیل عمق کم و کف مرجانی و صخره ای، خانه امنی برای ماهیان کفزی است و صیادان، از گرگور بیشتر برای به دام انداختن ماهی های کفزی و سخت پوستان استفاده می کنند. حلوا، سنگسر، شوریده و هامور از جمله ماهی هایی هستند که با استفاده از گرگور ها در تله می مانند. گرگور یک روش صید منطبق بر زیست دریایی است و فرصت می دهد ماهی های کوچکی که خود طعمه دیگر موجودات آبری هستند و پوشش های گیاهی کف دریا سالم بمانند. این تله های ماهیگیری یک برتری ویژه در مقایسه با روش های صید ترال (کفروب) دارند که ریشه در هوشمندی و احترام



همیشگی پیشینیان ما به محیط زیست دارد. در این روش، گونه های خاصی از ماهی با اندازه مشخص وارد سبد و صید می شوند و ماهی ها در این سبدها تا لحظه بالا آمدن از دریا زنده و تازه می مانند، اما در صید کفروب، همان طور که از اسمش پیداست توری به نام «گوفه» که به شکل یک قیف بزرگ و از دو طرف به تخته هایی متصل است، به اعماق دریا فرستاده و با شناور در بستر دریا کشیده می شود. ترال، داروندار کف دریا مانند مرجان ها، جلبک ها و دیگر موجوداتی را که برای دریا و اقیانوس حیاتی هستند، شخم می زند و با خود بالا

فصل به آب انداختن تله ها

با توجه به کاربرد گرگور، کارگاه های متعددی در گوشه و کنار جنوب ایران شکل گرفته که تمرکز آن ها گرگور بافی است. شهرستان های دیلم، بوشهر، گناوه، دیر، کنگان و جزیره از مهم ترین مراکز گرگور بافی جنوب هستند. تقریباً همه وقت سال، فصل استفاده از گرگور است، ولی محلی ها می گویند وقت به آب انداختن گرگور ها بعد از ظاهر شدن ستاره سهیل و خنک تر شدن هوا در شهریور است که تا بهمن می تواند ادامه داشته باشد. گرگور ها به چهار شکل «باطنه ای»، «طعمه ای»، «عمانی» و «دو کیسه ای» وجود دارد و هر کدام بسته به نوع استفاده و صید ویژگی های خاص خود را دارد. برای مثال، گرگور باطنه ای بیشتر مخصوص صیادان عربستان است، نوع طعمه ای برای صید ماهی هامور استفاده می شود و چون ماهی های ریز داخل گرگور نقش طعمه را برای هامور یا بازی می کنند به این اسم خوانده می شود. گرگور عمانی از هر طرف بیشتر از ۳ متر است و چون فضای بزرگی در شناور اشغال می کند کمتر از آن استفاده می شود. بهمن ماه فصل صید ماهی مرکب است که از دهه ۷۰ رونق گرفته است و در آب های کم عمق تر شکار می شود.

رسم و رسوم مرتبط با گرگور

اوضاع صیادی با گرگور همیشه روبه راه نیست. گاهی طناب پاره و گرگور ها در آب رها و گم می شود. این اتفاق در زمانی که طناب گرگور ها از جنس «غدغ» نوعی نخل بی ثمر بود، بیشتر تکرار می شد. گاهی با حضور کفروب ها، گرگور ها صدمه می بینند و در اعماق دریا از هم جدا می افتند. در این زمان صیاد ها راهی جز چنگک انداختن به آب و نذر و نیاز ندارند. آن ها در چنین موقعیت هایی نذری می کنند تا گرگورشان پیدا شود. نذرشان می تواند مقداری پول باشد یا بخشیدن همه یا بخشی از ماهی های داخل گرگور به کسانی که نیازمند هستند. همچنین در رسمی به نام «چرب و شیرین» پای گرگور به باور ها باز می شود. جنوبی ها معتقد بودند اگر زنی که تازه وضع حمل کرده صید یک صیاد را بخورد صیاد تا مدتی نمی تواند ماهی بگیرد و به اصطلاح «چله گرفته است». برای همین مراسم چرب و شیرین را به یامی کردند. در این مراسم، شیر همان زن را با خرما

گرگور بافی؛

بدون دستگاه و پرز حمت

گفت و گویا ۲ جوانی که یکی کارگاه گرگور بافی دارد و دیگری ۱۳ سال است که گرگور باف است

بیشتر کسانی که لنج دارند و صیادی می کنند گرگور بافی هم بلدند. اصلاً تا همین چند سال پیش همه گرگور می بافتند، اما بیشتر آن ها به دلایلی مانند صرفه اقتصادی، صید در دریا را به ساخت گرگور در ساحل ترجیح می دهند. تعداد کم گرگور بافان ایرانی در دهه های گذشته باعث حضور نیروی کار غیربومی و مهاجران افغانستانی و اشتغال آن ها به گرگور بافی شد. به گونه ای که الان آن ها بیشتر کارگاه های گرگور بافی جنوب را می چرخانند. البته در این میان صیادان از کار افتاده یا کهن سال تر جنوبی هم هستند که به واسطه گرگور بافی کمک خرج خانواده شان هستند. شماره «عین» و «محمد رضا نورزی» را از میان کارگاه های گرگور بافی پیدا کردم. غرق در لهجه جنوبی بودند. به زحمت توانستم راضی شان کنم چند کلمه ای درباره گرگور بافی صحبت کنند.

گرگور بافی کار پرز حمتی است

«عین»، جوانی که خودش یک کارگاه گرگور بافی در بندر گناوه دارد، می گوید: «گرگور بافی کار پرز حمتی است، دستگاه ندارد و باید چند ساعت روی زمین بنشینید و بایستید تا سیم های گرگور را به هم ببافید. آدم باید وارد باشد تا بتواند گرگور را بسازد. من خودم ۲۵ کارگر دارم که بیشتر شان افغانستانی هستند. سال هاست که ایرانی ها کمتر گرگور می بافند و این کار بیشتر دست افغانستانی ها افتاده است.»

انداختن سالانه ۲ تا ۳ هزار گرگور به آب توسط هر لنج دار



محمد رضا نورزی ۱۳ سال است که گرگور می بافد، پدرش هم ۳۰ سال است در بوشهر گرگور باف است. اواسالتی افغانستانی دارد و متولد جنوب ایران است. محمد رضای گویند: «گرگور های کوچکی که برای صید تفریحی می برند یک متر و گرگور های بزرگ تر که صیادهای خرد بیشتر از ۱/۵ متر است. من دستمزدی کاری کنم. یعنی صاحب کار برایم سیم می آورد و من گرگور می بافم. از زمانی که پادم می آید گرگور ها سیمی بوده اند، اما پدرم تعریف می کند ۴۰، ۵۰ سال پیش گرگور های چوبی هم می بافتند که خیلی مکافات داشته است. شنیدم که برای این گرگور ها باید چند روز چوب ها را در آب دریا می خوابانند تا انعطاف پذیر شود. من گرگور کوچک را یک ساعته می بافم، اما اگر بزرگ تر شود زمان بیشتری می برد؛ بیشتر مشتری هایمان هم از جنوب هستند و صیاد ها. بندر عباس و بوشهر و چابهار ی ها هر کدام یک مدل گرگور می خردند. در چابهار برای این که بتوانند در فرصت دو ماهه شکار، ماهی مرکب گیر بیاورند گرگور مخصوص مرکب و بندر عباسی ها هم که بیشتر دنبال یک نوع ماهی هستند گرگور چشمه ریز تر می خردند. آب کف دریا شور است و سیم گرگور ها زود خراب می شود. هر لنج داری در جنوب هر سال بین ۲ تا ۳ هزار گرگور به آب می اندازد و با توجه به این که گرگور ۸ ماه وقت دارد در آب باشد هر سال باید آن را عوض کنند. البته سیم های چینی نسبت به قبل ضعیف تر شده اند. پدرم می گوید قبلاً سیم های چینی بیشتر از یک سال و نیم عمر می کرد، اما الان سیم ها زود زنگ می زند.»

و روغن مخلوط می کردند و با آن حلوا می پختند. این حلوا در گرگور و بعد در دریا می انداختند. آن ها معتقد بودند ماهی با خوردن این غذای چرب و شیرین، باعث آشتی دوباره دریا و صیاد می شود و به این ترتیب روزی صیاد قطع نمی شود.

